

ازدواج با دختر صفتیه



Ketabton.com



www.masjed.se

۱۳۹۷

تئیع و نگارش:
الحاج امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و
مسئول مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

دستاوردی: اسلام رضا طیبی (طیبی)

ازدواج بادختر صغیره

سن بلوغ در اسلام

قبل از همه باید گفت که در تعیین سن ازدواج دختران و پسران اسا ساً دو نظریه وجود دارد یکی فهم و دید شرعی و دیگری هم دید و فهم قوانین که توسط بشر وضع شده است . از فهم قرآن عظیم الشان سن ازدواج برای دختران معین نشده است . ولی در قرآن عظیم الشان اصطلاحات چون : «بلوغ»، «بلغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» تذکر یافته است که از فهم این آیات و این اصطلاحات میتوان به نحوی از انحا سن بلوغ و سن ازدواج را به دست آورد.

واضحترین حکم در مورد سن تعیین سن ازدواج را میتوان از آیه 6 سوره نساء بدست اورد طوریکه میفرماید : **«وَابْتَلُوَا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنَّ آنَسَتْمَنْهُمْ رِشَادًا فَادْفَعُوهُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»** (یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به نکاح تمایل پیدا کردند و آنان را به درک مصالح زندگانی خود آگاه یافتید، اموالشان را به آنان بدهید).

تفسیر مفسرین معنی بلوغ به معنی بلوغ نکاح و به مرحله‌ی توانایی بر همراهی و تولید نسل ترجمه و تفسیر نموده اند .

علماء مینویسند : بلوغ نکاح رسیدن به سنی است که در انسان استعداد و آمادگی ازدواج حاصل شود و آن بلوغ حلم است .

نوجوان در این حالت میل پیدا می کند همسر و سرپرست خانواده باشد . کسی که مال یتیمان نزد وی است، حق ندارد مال را در اختیار یتیم بگذارد، تا این که به بلوغ جنسی و احتلام برسد .

در این روایت بلوغ نکاح به احتلام تفسیر شده است . خلاصه آنکه، معیار سن ازدواج از نظر قرآن همان قدرت داشتن بر ازدواج، توانایی هم خوابگی و تولید نسل است .

خواننده محترم !

در شرعايت دین مقدس اسلام بلوغ دختران و پسران سن خاص و مشخصی ندارد و ممکن است این سن در همه یکسان نباشد، بنابراین تعیین کردن دقیق سن بعنوان سن بلوغ در فهم شرعايت اشتباه است، بلکه صحیح آنست که به نشانه های بالغ شدن دختر و پسر نظر شود، بدین صورت که:

هرگاه پسری محتلم شد و یا منی از او خارج گشت و یا آنکه موی شرمگاه او نمایان شد، و در دخترها علاوه بر آن سه نشانه مذکور برای پسرها، چار عادت ماهیانه (حیض) شد فرق نمیکند در هر سنی که باشند ، وجود تنها یکی از این نشانه ها، نشانه ی بلوغ آنهاست و از همان لحظه به بعد آنها شرعا بالغ محسوب می شوند ، در صورتیکه جنون نداشته باشند، مؤظف به انجام تکالیف شرعی خود اعم از نماز و روزه و دیگر عباداتی که بر هر زن و مرد مسلمان بالغی واجب است، هستند.

بنابراین ممکن است که دختری در سن هفت سالگی و دیگری در نه سالگی چار حیض شود و همانسال سن بلوغش است .

و همینطور یک پسر ممکن است در سن دوازده سالگی محتلم شود و دیگری در سن

پانزده سالگی و یا هم در سنین دیگر آن سن بلوغ اش بشمار می‌رود . ولی سوال در اینجا است : اگر بالفرض مثل سن دختر یا پسر از حد معینی بالاتر رفت ولی نشانه های بلوغ در او یافت نشد، چه حکم در این بابت باید تنفیذ گردد .

در این مورد علماء اسلام نظریات متفاوتی در مورد سن بلوغ دارند و هریک از این علماء دید تفسیری واستدلالی خویش را ارائه داشته اند که غرض روشن شدن بهتر و بیشتر این حکم ذیلاً مختصرآ بدان اشاره مینمایم :

نظر امام شافعی :

در مذهب امام شافعی دختران و پسران که از حد معین بالا رفت و نشانه بلوغ در آن یافت نشد سن پانزده سالگی را برای دختران و پسران را محدوده نهایی قرار داده اند، یعنی اگر دختری به پانزده سالگی برسد ولی نشانه های بلوغ در او دیده نشود، باز او بعد از پانزده سالگی (کامل) بعنوان مکلف شرعی موظف است تا عبادت و تکالیف شرعی را انجام دهد و همانطور سن پانزده سالگی را برای پسرها هرچند که نشانه های (حیض، یا احتلام یا خروج منی، یا روییدن مو بر شرمگاه) دیده نشوند.

نظر امام ابو حنیفه و امام مالک :

در مذهب امام صاحب ابوحنیفه و امام صاحب مالک گفته‌اند: کسیکه احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی‌شود تا اینکه بسن شانزده سالگی برسد و در روایت مشهورتری از امام صاحب ابوحنیفه سن هفده سالگی نقل شده است.

و درباره دختر گفته است باید بسن هفده سالگی برسد و امام صاحب ابو داود گفته است: انسان با سن بلوغ نمی‌شود، مادامکه احتلام نیابد اگرچه چهل ساله هم باشد. (تفصیل موضوع : فقه السنہ سید سابق).

اما تعدادی از علمای تابع مذهب امام ابوحنیفه گفته اند که محدوده نهایی برای دختر و پسر پانزده سالگی کامل است، و این نظر علمای مذهب امام حنبل نیز می‌باشد .

جمع‌بندی کلی سن بلوغ در نزد علماء :

امام ابوحنیفه: سن نهایی تعیین بلوغ را برای دختران و پسران را هفده سالگی دانسته است .

امام ابویوسف و امام محمد ، سن بلوغ دختر و پسر را 15 سال قمری می‌دانند.

امام مالک: اتمام 18 سال برای پسر و دختر سن بلوغ تعیین نموده اند .

امام شافعی: اتمام 15 سال قمری را برای پسر و دخترسن بلوغ دانسته اند .

امام حنبل :: اتمام 15 سال قمری برای پسر و دخترسن بلوغ دانسته اند .

ظاهریه: می‌گویند : هرگاه نشانه ی بلوغ ظاهر شود و سن مهم نیست.

البته همانطور که گفته شد اگر کسی قبل از آن سنین در وی نشانه های بلوغ ظاهر شود، او از همان لحظه بعنوان مکلف شناخته می‌شود، مثلاً ممکن است دختری در نه سالگی بالغ شود و پسری در دوازده سالگی، ولی اگر هیچ علامتی از بالغ شدن در او دیده نشود، در آنصورت ملاک سنین فوق هستند، یعنی با رسیدن به این سن احکام شرعی بر آنها واجب خواهد شد.

بلوغ زود رس در اسلام :

ظاهر شدن علائم بلوغ ازنظر فیزیکی و هورمونی در دختران و پسران را در فقه اسلامی ،

بلغ زودرس نامیده اند . سوال در اینجا است که : ایا بلوغ زودرس در شریعت برای اجرای قوانین اسلامی معتبر است؟ علماء در تحقیقات خویش میگویند : رسیدن به سن بلوغ با یکی از نشانه های زیر به ثبوت می رسد:

1- خروج منی از وی، خواه در خواب باشد و یا هم بیداری، چون خداوند می فرماید:
« وإذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستأنوا كما استأذن الذين من قبلهم » (سوره نور آیه 59) (هرگاه اطفال شما بسن بلوغ رسیدند و احتلام شدند، باید بدون اجازه بر شما وارد نشوند، همانگونه که کشانی پیش از آنان بودند اجازه می گرفتند).

در حدیثی بروایت ابو داود از علی بن ابی طالب پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: « رفع القلم عن ثلات: عن الصبی حتی یحتمل و عن النائم حتی یستيقظ و عن المجنون حتی یفیق » (از سه کس قلم تکلیف برداشته شده است: از کودک تا اینکه احتلام شود و از بخواب رفته تا اینکه بیدار گردد و از دیوانه تا اینکه بهبودی حاصل کند و رشد خویش را باز یابد). و بروایت امام علی بن ابی طالب پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: « لا یتم بعد احتلام [بعد احتلام یتیمی وجود ندارد و دیگر یتیم نیست]. (بروایت ابو داود و بخاری).

2- بیان بردن پانزده سال تمام از عمر خود، چون ابن عمر گفت: در روز جنگ « أحد » که چهارده سال داشتم بر پیامبر صلی الله علیه وسلم عرضه شدم، که در جنگ شرکت کنم، بمن اجازه نداد و روز جنگ خندق که پانزده سال داشتم بر وی عرضه شدم که در جنگ شرکت کنم بمن اجازه داد.

چون عمر بن عبدالعزیز این مطلب را شنید بعاملان خود نوشت که کسی را بجنگ نفرستند مگر اینکه به پانزده سالگی رسیده باشند و تاکسی به پانزده سالگی نرسیده باشد بوی تعرض نکنند.

امام ابو حنیفه و امام مالک گفته اند کسی که احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی شود تا اینکه بسن شانزده سالگی برسد و در روایت مشهورتری از امام ابو حنیفه هفده سال نقل شده است. و درباره دختر گفته است باید بسن هفده سالگی برسد و امام داوود گفته است: انسان با سن بلوغ نمی شود، مادام که احتلام نیاید اگرچه چهل ساله هم باشد.

3- روییدن موی سیاه زهار که موی سیاه مجعد است، نه مطلق موی، که مطلق موی در زهار کوکان نیز هست. در جنگ بنی قریظه مرد را با روییدن موی زهار می شناختند و هر کس موی زهارش روییده بود، بوی اجازه شرکت در جنگ داده می شد.

امام ابو حنیفه گفت: با روییدن موی، هیچ حکمی ثابت نمی شود و روییدن موی زهار نه بلوغ است و نه علامت بلوغ.

4- قاعده شدن و آبستن شدن، و با این سه علامت قبلی که ذکر شد بلوغ پسرو دختر ثابت می شود و علائم بلوغ دختران علاوه بر آنها قاعده شدن و آبستن شدن نیز هست، چون بخاری و غیر او از عایشه روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: « لا یقبل الله صلاة حائض إلا بخمار» (خداوند نماز زن بحیض افتاده بالغ را نمی پذیرد تا اینکه روسربی داشته باشد و بدون آن نمی پذیرد).

واما رشد عبارت است از قدرت بر اصلاح مال و حفظ و نگهداری آن از ضایع شدن، که بصورت واضح و آشکار در معاملات مالی پیش از حد معمول و غالب، مغلوب و زیان دیده نشود و مال را در راه حرام صرف نکند، پس هرگاه کسی بالغ شد و رشد نداشت،

ولایت مالی بر او ادامه دارد و از تصرفات (فقط) مالی ممنوع است.

تا اینکه علام رشد دروی بظهور رسد، بدون تحدید سن یعنی رشد مدرک عمل است نه سن معینی، پر ابر ظاهر نص قرآنی چنین است بخلاف ابو حنیفه که سن معینی را در نظر گرفته است، هرگاه پس از رسیدن برشد از او سفاهت ظاهر شد، مجدداً بروی حجر نهاده می‌شود، چون بقول جصاص ضرر سفاهت بهمه برمی‌گردد، چون هرگاه سفیه مال خود را با اسراف و تبذیر تلف کند، او محتاج می‌شود و و بال بر مردم و بیت‌المال است و این از جهت ولایت مالی است و اما ولایت بمنفس بمجرد رسیدن بسن بلوغ و عاقل شدن، این ولایت از اوقطع و مکلف می‌گردد. و او می‌تواند در مال خود تصرف کند.

در تفسیر آیه: "فَإِنْ آتَيْتُمْ مِنْهُمْ رِشْدًا" ، از سعید بن منصور بروایت از مجاهد روایت شده است که گفت: عقل، یتیمی را از یتیم دور نمی‌سازد، اگرچه سنش نیز بزرگ شده باشد مگر اینکه برشد برسد و رشد ملاک است نه عقل. (منبع: فقه السنہ سید سابق) اما در سایت معتبر (اسلام وب) در باره کودکی که زود بالغ می‌شود چنین نوشته است:

«اگر کودک در سن پایین محتلم شود، در اینصورت شرع با وی همانند بالغین معامله می‌کند بجز حج، که بر روی واجب نمی‌شود مگر در صورت توانایی مالی و بدنی. بدليل فرموده الله تعالی که می‌فرماید:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ أَسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (سوره آل عمران: 97) یعنی: و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و اما اگر به سبب غرق شدن بمیرد، حکم شهید را دارد زیرا این حکم در سنت نبوی ثابت شده است. (برای معلومات بیشتر در این زمینه به کتابهای اصولی مراجعه کنید.)

ازدواج با دختر صغیره :

مصطفی بن حسني السباعي، متولد 1915 شهر حمص سوریه که یکی از علمای شهر جهان اسلام است در کتاب مشهور خویش «زن میان فقه و قانون» و عالم شهیر کشور مصر شیخ علی طنطاوی در مقالات خویش مینویسد «یجوز قضاه و یحرم دیانه» طی تحلیل علمی و فتوای اسلامی خویش با تمام صراحة مینویسد:

ازدواج با دختر صغیره از فهم قضایی و قانونی کدام ممانعت و مشکلی ندارد ولی از فهم دیانت اهداف و مقاصدی که در وراء ازدواج با دختر صغیره، نهفته است حرام است. تعدادی کثیری از علمای اسلام بارز ترین و مهمترین هدف شرعاً ازدواج را مطابق به ارشادات قرآن عظیم الشان: سکون نفس، مودت، عشق و محبت معرفی داشته اند.

طوریکه قرآن عظیم الشان (در ایه 21 سوره رم) می‌فرماید: «وَمَنْ آتَيْتَهُ أَنْ خَلَقَ لَكَ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لتسکنوا إِلَيْهَا وَجْعَلْ بَيْنَكُمْ مُوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنْ فِي ذَلِكَ لِيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»

(از نشانه های پروردگار آنست که بیافرید برای شما از جنس شما زنان را تا آرام گیرید بسوی ایشان و پیدا کرد میان شما دوستی و مهربانی، بدرستی که در این کار نشانه ها است برای گروهی که تفکر می‌کنند).

«لتسکنوا إِلَيْهَا» آرامش گرفتن واقعی در کنار همسر تا زمانی تحقق نمی‌یابد،

تازمانیکه زن بالغه و صالحه نباشد .

«**بینکم مودة** » مودت را مفسرین به محبت تفسیر نموده اند که این محبت در بلوغت با اکثر ظاهر میشود .

این مودت و محبت بین شوهر و همسر بعد از ازدواج هدف است ، بلکه این محبت و مودت حتی در مرحله خواستگاری هم ، همینکه مرد وزن با یکدیگر تمایل به ازدواج می نمایند باید به وجود آید .

مفسرین می نویسند که :

مودت : انگیزه ارتباط در آغاز کار ازدواج است و اما ادامه و پایان آن که یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان شود و قادر بر خدمت نسبت به دیگری نباشد ، «رحمت» جایگزین مودت می شود .

بنآزادواج با دختر صغیره نه تنها اهداف مندرج در آیه متبرکه را تحقق میبخشد ، بلکه مصالح علیای مجتمع انسانی را نیز به مخاطره جدی مواجه می سازد .

در ازدواج با دختر صغیره نه تنها مودة و رحمت است بلکه در ازدواج با دختر صغیره اهانت به امر ازدواج واهانت به مقام والای انسان و ارزش‌های انسانی است .

هدف از ازدواج رسیدن به یک لقمه نان و لباس و خانه نیست ، بلکه هدف از ازدواج عشق است و محبت است .

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library